

حاشیه‌ها

زندگی‌نامه فرمان فتحعلیان

■ فرمان فتحعلیان، در تاریخ ۲۹ آذرماه ۱۳۴۹ در تهران و در خانواده‌ای هنردوست و هنرشناس به دنیا آمد، در سن پنج سالگی ساز (ویلن) را نزد استادی که در کانون موسیقی وابسته به صدا و سیمای قبل از انقلاب بود، آموخت و پیشرفت چشمگیری نسبت به هنرجویان هم‌سن خود داشت. او به‌طور خودآموز و بدون استاد ساز گیتار را به عنوان ساز تخصصی خود در رشته (فلامنکو) انتخاب و از سال ۱۳۶۸ شروع به تربیت شاگردانی در این رشته کرد. علاقه وی به موسیقی کلاسیک هندوستان او را سال ۱۳۷۱ به این کشور پهناور و زیبا کشاند. تحقیقات وی در موسیقی قوالی و تحصیل ساز (تپلا) نزد اساتید هند اولین ثمره این سفر بود که در برگشت از این سفر گروه موسیقی را به نام (گروه ایلپا) تشکیل داد. اولین مجوز کنسرت گیتار بعد از انقلاب از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به نام این گروه موسیقی صادر و در مهر ماه ۱۳۷۱ در کانون فرهنگی کودکان و نوجوانان در سه شب برگزار و با استقبال خوبی روبه‌رو شد. برگزاری این کنسرت‌ها تا سال ۱۳۷۷ ادامه داشت تا اینکه در همان سال در اولین جشنواره موسیقی مردمی از سوی هیات داوران، برنده لوح درخشش ویژه جشنواره شد. سبک جدید و تلفیقی او که متشکل از سه سبک: موسیقی هندی، عرفانی و مردمی بود مشتاقان و مخاطبان فراوانی را تا به امروز به خود جذب کرده است. بخشی از اشعار انتخابی او در وصف شاه مردان حضرت علی (ع) و بخش دیگر به اشعار حضرت مولانا و ترانه‌های مردمی می‌پردازد. گروه موسیقی ایلپا از سال ۱۳۷۷ تا به امروز کنسرت‌های فراوانی را در تهران برگزار



کرده است و همچنان به کار فرهنگی خود برای مخاطبان خوب این گروه ادامه می‌دهد.

آلبوم‌های این گروه عبارت‌ند از:

مقیم- ۱۳۷۸
آلبوم ۲. sai sumananjali vol. در هندوستان- ۱۳۷۹
راه عشق- ۱۳۸۰
مست و خراب- ۱۳۸۲

نوشته‌ای از وبلاگ شخصی فرمان فتحعلیان

من از درخواست بعضی از دوستانی که به من ایمیل میزنن واقعا تعجب می‌کنم!

به جای اینکه برای دریافت آهنگ مورد علاقه‌شون به فروشگاه‌های معتبر تشریف ببرن و تهیه کنسن، باز از من درخواست دانلود آهنگ می‌کنن!

من بچقدر و به چه شکل باید خواهش و التماس کنم آلبوم یا تک آهنگی رو که منظور نظرتون هست اگر مطمئن هستین در بازار هست و میشه تهیه کرد، به شکل اورجینال خریداری کنین، دانلود موسیقی از سایتهای اینترنت به خدا به علی به خاک ایران قسم که خیانتا کمال نامردی و بی‌عرفتهایی انجام چنین کاری در شان اهالی موسیقی و اهل هنر نیست! و خسارت این اتفاق فقط و فقط به خودمون برمی‌گرده!

اگه خواستار دگرگونی در فرهنگ جامعه‌مون هستیم و دوست داریم ما هم مثل همه کشورها و فرهنگ‌های دنیا سرمونو بالا بگیریم، باید اول از خودمون شروع کنیم.

یک طرفدار واقعی موسیقی، هیچ‌وقت راضی به خسارت دیدن هنرمند مورد علاقه‌اش نیست و نخواهد بود و هیچ وقت زحمت هنرمندان جامعه خودش رو ضایع نمی‌کنه!

با توجه به اینکه می‌دونه ساخت یک اثر موسیقی با تمام موانع و مشکلاتی که همه کم و بیش اطلاع دارن که چه اتفاقاتی برای هنرمند میفته تا بتونه کارش رو به دست مخاطبانش برسونه!

دیگه کمی انصاف! از هر طرفی که نمی‌شه کشید! به اندازه کافی از دست این شرکت‌های به اصطلاح فرهنگی و هنری می‌کشیم. از یک مشت لاله‌زاری دلال موسیقی که از روی بغض و حسادت و حسرت کاری جز چوب لای چرخ کردن ندارن، باید بکشیم! از بی جایی و بی‌سالتی باید بکشیم! ...

تنها درخواست هنرمندتون فقط و فقط اینه که، نه فقط به هنر، نه فقط به جامعه هنریتون، بلکه به خودتون خیانت نکنین! تو خواه ندی گیر... خواه مالا! تابدا... یا علی ممد.

چهره‌ها



عکس:کوروش جوان

پای حرف‌ها و درد دل‌های «فرمان فتحعلیان»:

هیچ چیز درعالم هنر جای خودش نیست

بهمن بابازاده

فرمان فتحعلیان را بیشتر به خاطر خاص بودنش می‌شناسند. چه آنهایی که او را از نزدیک می‌شناسند این را در رفتار و صحبت کردن‌اش متوجه می‌شوند و چه آنهایی که طرفدار آثار هنری‌اش هستند. در نوع آهنگسازی‌اش، تلفیق موسیقی هندی و عرفانی و پاپ را می‌بینیم. این کاری است که خیلی‌ها حتی جرات نزدیک شدن به آن را ندارند، چه برسد به اینکه مثل فتحعلیان بخواهند با این کار یک سبک جدید در کارهای تلفیقی را پایه‌گذاری کنند. از طرفی گرایشات مذهبی باعث شده تا همیشه رنگ و بوی موسیقی مذهبی در کارهایش بیشتر احساس شود. مخصوصا در مورد اشعاری که در مورد حضرت امیرالمومنین (ع) خوانده است. این روحیه عجیب و غریب او و سبک خاص کارهایش باعث شد تا پای حرف‌های او بنشینیم و در مورد زندگی و کارهایش با او صحبت کنیم.

بگویم تا آن را پرداخت کنند!

حرف‌های فراوانی را از عکس و طرح روی آلبوم آخرتان می‌شود برداشت کرد.
بله، فضای پشت کاور، فضای غبار آلود یک شهر است و هنرمندی با موی آشفته و سگرمه‌های درهم و ساز به دست را می‌بینیم که پشت‌اش به این شهر غبار آلود است. جاده خاکی و رفتن ...

خب این اعتراف و حرف اجتماعی با سبک موسیقی تلفیقی شما تناسب دارد؟ یعنی می‌شود روی این سبک موسیقی شما کلام اجتماعی نشاند؟

صدر صد. من اولین بار که این کار را برای دوستانم گذاشتم، آنها متفق‌القول گفتند که چرا تا به حال یک چنین کاری را انجام نمی‌دای؟ بد نیست که هنرمند گه‌گذاری نگاهی هم به مشکلات و معضلات اجتماعی خودش داشته باشد.

کلا یا اینکه هنرمند عقاید اجتماعی و حتی سیاسی‌اش را در کارش وارد کند، موافقید؟

خود من شاید این طور نباشم ولی در همه جای دنیا هنرمندان آزادند نسبت به هر نوع نگاهی که به اجتماع‌شان دارند، اظهار نظر کنند. آنها حتی خودشان را هم نقد می‌کنند. او وظیفه‌اش این است که حقایق را عنوان کند و اقتضای هنر این است.

با این تفاسیر چند تکنیکی در بحث محتوایی آلبوم آخر شما معضلات اجتماعی جامعه است؟
من تکیه گاهم قطعه بنی‌آدم بود که متأسفانه آن اتفاقات برایش افتاد. البته در بعضی از قطعاتم سه استاد – که هرگز معلوم نشد و نمی‌شود چه کسانی هستند- نظر و مجوز نهایی را تأیید کنند. این بخش اگر به سلامتی رد شود، می‌رسیم به طرح روی جلد. ما حتی به طرح‌ها هم رسیدیم که بهو رنگ زدند و گفتند این چه شعری است؟ شما به شان سعادی توهین کرده‌اید و خلاصه از این صحبت‌ها.

بالاخره هم که کار را کشیدن بیرون.
طی نشستی که با خود آقای «خبری» داشتیم ایشان از ما خواستند که این قطعه در آلبوم گنجانده نشود و در کارهای بعدی جای بگیرد. حتی ایشان این پیشنهاد را هم به ما دادند که هر چند برای قطعه هنر نه کرده‌ایم را

یک موسیقی از جنوب آفریقا بیاورید و بخواهید آن را با موسیقی شمال آمریکا تلفیق کنید. ممکن است این اتفاق نیفتد. ولی من می‌گویم موسیقی آنقدر وسعت دارد که می‌توان خیلی از موسیقی‌های مختلف را با هم تلفیق کرد بدون اینکه ناهنجاری وجود داشته باشد. البته نقاط مشترک باید در موسیقی‌های تلفیق شده وجود داشته باشد البته این به مقدار زیادی در مورد این موسیقی‌هایی که من به سراغ آنها رفتم وجود دارد.

دقیقا منظور تان از موسیقی صوفیانه چیست؟

چیزی مثل موسیقی فولکلور است؟
خب موسیقی صوفیانه موسیقی پشت درهای بسته است. موسیقی که فقط افراد خاصی آن را گوش می‌کنند و آن را ترویج می‌دهند. برای همین ممکن است عموم جامعه به گوششان نآشننا باشد یا اصلا آن را نشنیده باشند. به قول خود صوفی‌ها باید اهل باشی تا بتوانی به این موسیقی گوش کنی. اما در عین حال موسیقی ریشه‌دار و اصلی است که مثل گوهر نایاب آن را می‌شود در مجالس درویش‌ها و صوفی‌ها پیدا کرد. سعی کردم در واقع بخشی از این موسیقی را استفاده کنم. مخصوصا آن بخش از ملودی‌هایی که در مورد رقص سماع و خواندن شعرهای عارفانه است. برای همین شما فقط بخشی از آن موسیقی را در ملودی می‌توانید احساس کنید.

این ترکیبی که دارید، ترکیب همیشگی و ثابت شماست یا قصد دارید به دنبال تلفیق‌های جدیدی هم هستید؟

نه. این ترکیب ثابت موسیقی است که من کار می‌کنم. این حاصل سال‌ها کار و مطالعه من است و شما هم می‌بینید که همیشه این نوع موسیقی برای مردم جدید و تازه بوده. سبک و سیاق در موسیقی همین است و فکر می‌کنم به جای ثابتی در این موسیقی رسیده‌ام.

یک آلبوم به زبان هندی هم منتشر کرده‌اید.

خودتان به زبان هندی تسلط دارید؟

بله، یک آلبومی بود که با چند تاز خواننده‌های هندی ساخته شد و من هم چند قطعه در آن خواندم. خودم به زبان هندی تسلط ندارم ولی علاقه‌مند هستم و تا حدودی آشنایی دارم.

در موسیقی هندی از خواننده یا شیوه خاصی هم الگو برداری کرده‌اید؟

نه، از سبک خاصی الگوبرداری نکرده‌ام ولی شخصا یکی از علاقه‌مندان نصرت فاتح علی خان هستم. به کارهای ایشان خیلی علاقه دارم، مخصوصا در این سال‌های آخر قبل از فوتش که موسیقی قوالی را کار می‌کرد و من بسیار علاقه داشتم. شاید تأثیراتی از موسیقی ایشان گرفته باشم ولی الگوبرداری از هیچ موسیقی‌ای را تا به حال انجام نداده‌ام.

حرفی مانده؟

چه گویم که ناگفته‌ام بهتر است. از بی‌سالتی بگویم

یا چیزهای دیگر؟ «روزی که برف سرخ ببارد از آسمان/ بخت سیاه اهل هنر، سبز می‌شود»، حالا ما منتظر باید

بمانیم تا آن روز که وضعیت هنر و موسیقی ما بهتر شود.

یا علی ممد.

سوپر استار

گشتی در زندگی لئونارد دی کاپریو می‌خواهم مردم باورم کنند

■ ۱- لئونارد دی کاپریو از ۱۷ سالگی‌اش تا امروز بدون وقفه کار کرده است. بازیگر شناخته شده هالیوود که متولد ۱۱ نوامبر ۱۹۷۴ و در سال ۲۰۰۴ برای بازی در فیلم «خلیان» برنده جایزه گلدن گلوب شد.

۲- نام دی کاپریو هم برای خودش داستانی دارد. مادر آلمانی او زمانی که در یک نمایشگاه مشغول دیدن یکی از نقاشی‌های لئوناردو داوینچی بوده از پسر متولد نشده‌اش لگدی دریافت می‌کند و به همین دلیل تصمیم می‌گیرد که نام پسرش را لئوناردو بگذارد. از آنجایی که مادر لنو آلمانی- آمریکایی بوده حالا او به خوبی می‌تواند آلمانی صحبت کند. زمانی که بازیگر فیلم «تایتانیک» ۱۰ ساله بوده یکی از راهنماهایش به او پیشنهاد می‌دهد که اسمش را عوض کند. پیشنهادی که لنو آن را رد می‌کند.

۳- او برای اولین بار در ۱۴ سالگی جلوی دوربین ظاهر شد و در یکسری مجموعه‌های تبلیغاتی و آموزشی بازی کرد. جالب اینکه او در تمام کارهایی که بازی کرده از جان مایه گذاشته و روی همین اصل بازی او چشم نواز است.

۴- نقش او در فیلم «که مینوئی منو بگیر» بر مبنای یک داستان واقعی ساخته شده بود. فرانک آباگنیل جوان ترین فردی بود که تحت تعقیب اف‌بی‌آی قرار داشت.

۵- دی کاپریو هم مثل تام هنکس جزو طرفداران پر و پا قرص محیط زیست است. به همین دلیل او موسسه‌ای را راه انداخته که به تمام سازمان‌هایی که قصد جلوگیری از نابودی محیط زیست و زمین را دارند کمک مالی می‌کند. دی کاپریو تا امروز سخترانی‌هایی زیادی در مورد محیط زیست و همچنین مساله صلح داشته است. ۶- در ماه مارس سال ۱۹۹۷ شیمون پرز، نخست‌وزیر اسرائیل از دی کاپریو دعوت کرد تا برای کمک به پروژه صلح در خاورمیانه به آن منطقه برود. البته در این سفر بین محافظان او و عکاسی که می‌خواست از این هنرپیشه عکس‌های ویژه بگیرد درگیری فیزیکی رخ داد.

۷- در سال ۱۹۹۸ او اتاکی پراز کامپیوتر و دیگر امکانات را به کتابخانه نیو لیس فلیر اهدا کرد. جالب اینجا که این اتاق دقیقا در جایی ساخته شده که لنو در آنجا به دنیا آمده بود.

۸- دی کاپریو قبل از اینکه قرارداد بازی در فیلم تایتانیک را امضا کند حسابی مرد شده بود چرا که فکر می‌کرد این فیلم جزو فیلم‌هایی نیست که به سبک بازی و روحیات او بخورد.

۹- او که برای بازی در فیلم «الماس خونین»



به افریقای جنوبی رفته بود سرپرستی یک دختر یتیم را به عهده گرفت البته او این دختر افریقایی را با خودش به آمریکا نبرد و به صورت غیر حضوری هوای او را دارد. لنو با تلفن با دختر خوانده‌اش صحبت می‌کند و ماهانه برای او پول می‌فرستد.

۱۰- دی کاپریو برای فیلم الماس خونین معلم زبانی از زمبابوه گرفت تا لهجه‌اش را تقویت کند اما لهجه او بیشتر شبیه استرالیایی‌ها شده بود تا مردم افریقا به همین دلیل او مجبور شد تا از یک معلم محلی دیگر استفاده کند.

۱۱- لئوناردو بازیگری است که حریم خصوصی و ویژه‌ای دارد. او نمی‌خواهد که مخاطبانش در جریان زندگی خصوصی او قرار گیرند چرا که اعتقاد دارد با این کار دیگر کسی نقش‌های او در فیلم‌های مختلف را باور نخواهد کرد.

۱۲- او به ورزش هم علاقه دارد. فوتبالت، بسکتبال، هاکی و موج سواری ورزش‌های مورد علاقه او هستند که اگر وقت داشته باشد آنها را انجام می‌دهد.

۱۳- دی کاپریو عاشق همکاری با مارتین اسکورسیزی است. او عقیده دارد که اسکورسیزی در کارش نابغه است. لنو تقریبا تمام فیلم‌های این کارگردان بزرگ را دیده و از آنها الهام گرفته است. ۱۴- اگر بخواهیم به علایق لئوناردو اشاره کنیم باید موارد زیر را بنویسیم: پاستا غذای مورد علاقه اوست و نیویورک شهر مورد علاقه‌اش. لنو آلمان را به عنوان بهترین محل برای گذراندن تعطیلات می‌داند. او علاقه خاصی به موسیقی رپ دارد و ماشین مورد علاقه‌اش فورد موستانگ مدل ۱۹۶۹ است. در مورد کتاب هم بدون شک پیرمرد و دریا نوشته رنست همنیگوی جزو محبوب‌های دی کاپریوست.

۱۵- او در مورد رابرت دنیروی معروف می‌گوید: «هنگام همکاری با او متوجه جدیت بیش از حد او در کارش شدم. او به جزئیات اهمیت ویژه‌ای می‌دهد و به همین دلیل است که بازی او همه را جذب می‌کند».

۱۶- او در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۴ طرفدار جان کری بود. لنو به ۱۱ ایالت مختلف رفته و ۲۰ سخنرانی در مورد خطرات انتخاب دوباره جرج بوش داشته است.